



Verses Related to Ahl al-Bayt in the *Tafsir* of Muqātil b. Sulaymān: An Attempt to Criticize His Views

Hamed DezhAbad 

Associate Professor of Qur'an and Hadith Sciences,
Farabi Campus, University of Tehran,
Qom, Iran (corresponding author: h.dejabad@ut.ac.ir)

Narges Damirchi 

MA student of Qur'an and Hadith Sciences,
Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract

Among the verses that are discussed and disputed in the Shi'ite interpretations and Sunni interpretations, there is a difference in the interpretation of the verses related to the Ahl Al-Bayt (AS). Examining the interpretation of Muqatil ibn Sulayman, which is one of the old Sunni interpretations, shows that Muqatil under many of these verses refers to He did not consider them as members of the Ahl Al-Bayt (pbuh) and considers them to be about other people, but examining the views of other Sunni commentators, many of which are against Muqatil's view, raises doubts about the validity of Muqatil's view about these verses. The present research, with a comparative-analytical method, after presenting the opinions of Muqatil ibn Suleiman under the relevant verses, has collected the views of some sources of Sunni interpretation under these verses. The examination of these interpretations shows that, unlike Muqatil, many narrations There is evidence of the virtues of the Ahl Al-Bayt (AS) in these interpretations. The results of the present research indicate the weakness of Muqatil's point of view about these verses and cause his opinion to be rejected about the related verses.

Keywords: Tafsir Muqatil bin Sulaimān, Virtues of Ahl Al-Bayt, Tafsir Al-Farīqīyn, Ṭābi-ī Interpretator.

Promoting article


Received: 8/ 4/ 2023, accepted: 19/ 6/ 2023, and published: 19/ 6/ 2023, Pages: 305-338.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.12.2

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آیات مرتبط با اهل بیت (ع) در تفسیر مقاتل

کوششی برای نقد دیدگاه‌های مفسر

حامد دژآباد ^{ID}

دانشیار علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی، دانشگاه تهران،
قم، ایران (نویسنده مسئول: h.dejabad@ut.ac.ir).

نرگس دمیرچی ^{ID}

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

چکیده

از جمله آیات مورد بحث و اختلاف در تفاسیر فریقین، آیات مربوط به اهل بیت (ع) می‌باشد. بررسی تفسیر مقاتل بن سلیمان که از تفاسیر کهن اهل سنت می‌باشد، نشان می‌دهد که مقاتل ذیل بسیاری از این آیات، اشاره‌ای به نزول آنها در شأن اهل بیت (ع) نکرده و آنها را درخصوص افراد دیگری می‌داند؛ اما بررسی دیدگاه‌های سایر تفاسیر اهل سنت که بسیاری از آنها مخالف با دیدگاه مقاتل می‌باشد، موجب تردید در صحت دیدگاه مقاتل درباره این آیات می‌شود. پژوهش حاضر با روش تطبیقی-تحلیلی پس از ارائه آراء مقاتل بن سلیمان ذیل آیات مربوطه، دیدگاه‌های برخی از منابع تفسیری اهل سنت را ذیل این آیات جمع آوری نموده است. بررسی این تفاسیر نشان می‌دهد که برخلاف مقاتل، روایات فراوانی دال بر فضائل اهل بیت (ع) در این تفاسیر وجود دارد. به‌علاوه، بسیاری از آراء مقاتل ذیل این آیات به لحاظ محتوایی نیز مخدوش است. نتایج این بررسی حکایت از ضعف دیدگاه مقاتل درباره این آیات دارد و موجب رد آراء وی در مورد آیات مربوط می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر مقاتل بن سلیمان، فضائل اهل بیت (ع)، تفاسیر فریقین، مفسر تابعی.

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۹، پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۹، نشر: ۱۴۰۲/۳/۲۹، صفحه ۳۰۵ تا ۳۳۸.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.12.2

درآمد

مقاتل بن سلیمان از مفسران تابعی متعلق به سده ۲ ق است. شیخ طوسی در *رجال خود*، او را از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) برشمرده است (طوسی، *رجال*، ۱۴۷ و ۳۰۶). بنا به گفته خوئی در کتاب *معجم رجال الحدیث*، مقاتل از روایان امام صادق (ع) بوده است (خوئی، *معجم رجال الحدیث*، ۳۳۷/۱۹). درباره مذهب مقاتل، میان رجالیون اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی نظیر علامه حلی، او را عامی مذهب دانسته‌اند (علامه حلی، *خلاصه الاقوال*، ۴۱۳). اما برخی از محققان اهل سنت، از جمله ابن ندیم مذهب او را شیعه زیدی می‌دانند (ابن ندیم، *الفهرست*، ۲۲۷).

در مجموع، با توجه به تحقیقات صورت گرفته پیرامون مذهب مقاتل می‌توان گفت که او قطعاً امامی مذهب نبوده است، زیرا در تفسیر بسیاری از آیات به ذکر فضائل خلفا می‌پردازد؛ به‌علاوه، زیدی بودن وی نیز مورد تردید است، زیرا از برخی آیاتی که به گفته بسیاری از مفسران فریقین در مورد علی (ع) و اهل بیت ایشان است، چشم‌پوشی می‌کند یا آنها را در مورد افراد دیگری می‌داند. مانند آیه تطهیر و آیه مباحله و... (ناوشکی، «معرفی مقاتل بن سلیمان...»)، ۶۴-۶۶). بنابراین، همان‌گونه که علامه حلی تصریح کرده‌اند (علامه حلی، *خلاصه الاقوال*، ۴۱۳)، قول صحیح‌تر این است که وی عامی مذهب بوده است.

درباره حال رجالی مقاتل نیز، بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی، از جمله شافعی، او را به دانش فراوان و وثاقت وصف کرده‌اند (معرفت، *تفسیر و مفسران*، ۱/۴۲۱)، اما برخی، در زمینه نقل روایت، نسبت‌هایی هم‌چون کذاب (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ۱۳/۱۶۸)، دجال (ابن حبان، *المجروحین*، ۳/۱۴) و واضع الحدیث (همان، ۳/۱۵) به او داده و او را فردی مورد اعتماد در نقل روایت نمی‌دانند (ناوشکی، «معرفی مقاتل بن سلیمان»، ۶۸).

مطلب دیگر این‌که مقاتل بن سلیمان دارای آثار و تألیفات متعددی پیرامون *قرآن کریم* می‌باشد (برای نمونه، نک: آقابزرگ، *الذریعه*، ۴/۳۱۵)؛ از جمله این آثار که امروز در اختیار است، تفسیر کبیر، معروف به تفسیر مقاتل بن سلیمان است که از قدیمی‌ترین تفاسیر ترتیبی *قرآن* است. توجه به محتوای این تفسیر نشان می‌دهد آنچه بیش‌تر در آن مورد توجه قرار گرفته،

بیان معانی واژگان است. مقاتل در این تفسیر، علاوه بر استفاده از روایات، بعضاً دیدگاه‌های خود را نیز بیان کرده است و گاه، آراء دیگر مفسران را نیز مورد نقد قرار می‌دهد. از ویژگی‌های مهم این تفسیر، قدمت، رعایت اختصار، سادگی عبارات و جامعیت نسبی آن است، به این معنا که تمام سوره‌های قرآن را از ابتدا تا انتها تحت پوشش قرار می‌دهد. بر این اساس، بررسی این تفسیر، حائز اهمیت است.

از طرفی، در میان آیات قرآن کریم، از جمله آیاتی که از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و اختلافات بسیاری در تفسیر آنها وجود دارد، آیات مربوط به اهل بیت (ع) است؛ لذا، بررسی آنها در تفاسیر مختلف و آگاهی از نظرات مفسران پیرامون این آیات، مهم است. مقاتل بن سلیمان نیز به عنوان یک مفسر، ذیل این آیات، دیدگاه‌هایی را مطرح نموده است که بسیاری از این دیدگاه‌ها قابل نقد و ارزیابی است.

طرح مسئله

در رابطه با شخصیت مقاتل بن سلیمان، جایگاه وی، روش او در تفسیر و نقد برخی دیدگاه‌های او، پژوهش‌های بسیاری انجام شده که در این تحقیق، لزومی به ذکر تک تک آنها نیست. بعنوان نمونه مقاله ای با عنوان «بررسی و نقد آیات خلافت و ولایت در تفسیر مقاتل بن سلیمان و تفسیر الکشاف زمخشری» از علی اکبر شایسته نژاد است که در آن، به مقایسه و ارزیابی آراء این دو مفسر ذیل آیات خلافت و ولایت، پرداخته شده است. اما درباره دیدگاه‌های مقاتل پیرامون آیات مربوط به اهل بیت (ع)، بنا به جستجوی صورت گرفته، دو پژوهش به چشم می‌خورد که یکی در قالب پایان نامه‌ای به زبان عربی با عنوان «مناقب اهل البیت (ع) فی تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ درسه تحلیلیه» از حورا ثائر احمد الاسدی، دانشجوی دانشگاه ادیان و مذاهب و با راهنمایی: عبدالمحمد شریفات می‌باشد که به نظر می‌رسد در این پژوهش، نویسنده، در مقابل اتهاماتی که برخی به مقاتل بن سلیمان نسبت داده‌اند، به جمع آوری مناقب اهل بیت (ع) در این تفسیر پرداخته است.

پژوهش دیگر، مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد آیات خلافت و ولایت در تفسیر مقاتل بن سلیمان و تفسیر الکشاف زمخشری» از علی اکبر شایسته نژاد است که در مجله تحقیقات

علوم قرآن و حدیث، شماره ۹، سال ۱۳۸۷ش چاپ شده و در آن، به مقایسه و ارزیابی آراء این دو مفسر ذیل آیات خلافت و ولایت، پرداخته شده است. لذا، تا جایی که نگارنده این تحقیق جستجو کرده، هیچ پژوهشی در رابطه با نقد دیدگاه‌های مقاتل بن سلیمان، ذیل آیات مربوط به اهل بیت (ع) نگاشته نشده است.

این پژوهش در نظر دارد، آیاتی از قرآن کریم را که به اعتقاد بسیاری از مفسران فریقین درباره اهل بیت (ع) می‌باشند در تفسیر مقاتل بن سلیمان مورد بررسی قرار داده و بر اساس دیگر منابع تفسیری فریقین، به نقد روایی و محتوایی آنها بپردازد. به عبارت دیگر، این نوشتار در راستای پاسخ به این سوالات است که مقاتل بن سلیمان، در حوزه آیات مربوط به اهل بیت (ع) چه دیدگاه‌هایی ارائه داده است؟ چگونه می‌توان این دیدگاه‌ها را به لحاظ روایی نقد نمود؟ و چگونه می‌توان این دیدگاه‌ها را به لحاظ محتوایی مورد نقد قرار داد؟

لازم به ذکر است که مقاتل بن سلیمان ذیل برخی از این آیات هیچ اشاره‌ای به نزول آنها در شأن اهل بیت (ع) ننموده و آنها را درباره افراد دیگری می‌داند و ذیل برخی دیگر از این آیات، گرچه قولی را مبنی بر نزول آیه درباره اهل بیت (ع) ذکر می‌کند؛ اما این قول را در کنار اقوال دیگر آورده و آن را بر سایر اقوال ترجیح نمی‌دهد یا قول صحیح را قول دیگری می‌داند و آن را ترجیح می‌دهد.

مجموع آیاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، عبارتند از: آیه تطهیر (۳۳ احزاب)، آیه مباحله (۶۱ آل عمران)، آیه اولی الامر (۵۹ نساء)، آیه مودت (۲۳ شوری)، آیه ۱۱۹ سوره توبه، آیه وراثت کتاب (۳۲ فاطر)، آیه لیلۃ المیت (۲۰۷ بقره)، آیه ۴ سوره تحریم، آیه تبلیغ (۶۷ مائده)، آیه اکمال (۳ مائده)، آیات اهل الذکر، آیات سوره انسان، آیات ولایت (۵۵ و ۵۶ مائده)، آیه ۱۳۰ سوره صافات و آیه ۱۰ سوره واقعه. در این میان، سه مورد اخیر یعنی آیات ولایت، آیه ۱۳۰ سوره صافات و آیه ۱۰ سوره واقعه، از مواردی هستند که مقاتل بن سلیمان در تفسیر خود، به نزول آنها در شأن اهل بیت (ع) اشاره کرده و لذا، نگارنده، نیازی به ذکر آنها در این مقاله ندیده است، زیرا هدف این پژوهش، تنها گردآوری آیاتی در مورد اهل بیت (ع) است که مقاتل در تفسیر خود آنها را در خصوص افراد دیگری دانسته و اشاره‌ای به نزول آنها در مورد اهل بیت (ع) نکرده است.

در ادامه، آیاتی را که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته در سه بخش: آیات مربوط به فضائل اهل بیت (ع)، آیات مربوط به حقوق اهل بیت (ع) و آیات مرتبط با ایشان تقسیم نموده و اغلب با بهره‌گیری از دیگر تفاسیر معتبر اهل سنت هم‌چون تفسیر طبری، ابن ابی حاتم، شواهد التنزیل، ثعلبی، کشاف، بغوی، مفاتیح الغیب، بیضاوی، قرطبی، تفسیر ابن کثیر، الدر المنثور، روح المعانی و نیز برخی ادله درون متنی مورد قبول فریقین به نقد روایی و محتوایی آراء مقاتل ذیل این آیات می‌پردازیم.

۱. نقد دیدگاه‌های مقاتل بن سلیمان ذیل آیات فضائل اهل بیت (ع)

در این بخش به نقد آراء مقاتل بن سلیمان ذیل آیاتی از قرآن کریم می‌پردازیم که بیانگر فضائل و مناقب اهل بیت (ع) می‌باشند. این آیات صرفاً به تبیین جایگاه والای اهل بیت (ع) از طریق ذکر ویژگی‌های انحصاری ایشان می‌پردازند و اشاره‌ای به وظایف ما نسبت به ایشان ندارند. برخی از این آیات فضیلتی را به طور عام به اهل بیت (ع) نسبت می‌دهند، همانند آیه تطهیر، آیه مباحله و آیات سوره انسان؛ و برخی دیگر به طور خاص بیانگر فضیلتی درباره یکی از ایشان هستند، مانند آیه لیلۃ المبیته که درباره امام علی (ع) می‌باشد (نجارزادگان، تفسیر موضوعی، ۲۱-۲۲).

۱-۱) آیه تطهیر

مقاتل بن سلیمان، آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) را این‌گونه تفسیر نموده است:

وَ أَطْعَنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ يَعْنِي الإِثْمَ الَّذِي نَهَاكَ بِهِ عَنْهُ فِي هَذِهِ الآيَاتِ. « و من الرجس الذي يذهبه الله عنهن إنزال الآيات بما أمرهن به». فان تركهن ما أمرهن به و ارتكابهن ما نهاهن عنه من الرجس. فذلك قوله «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» يَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْنِي نِسَاءَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - لِأَنَّهُنَّ فِي بَيْتِهِ وَ يُطَهَّرُكُمُ مِنَ الإِثْمِ الَّذِي ذَكَرَ فِي هَذِهِ الآيَاتِ تَطْهِيراً. حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْهَدَيْلِ فَقَالَ: قَالَ مِقَاتِلُ بْنُ سَلِيمَانَ: يَعْنِي بِهِ نِسَاءَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - كُلَّهِنَّ وَ لَيْسَ مَعَهُنَّ ذَكَرَ (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۳/ ۴۸۸-۴۸۹).

ترجمه: و خدا و رسولش را اطاعت کنید، همانا خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. مراد از رجس در آیه شریفه، گناهی است که در این آیات، همسران پیامبر (ص) را از آن نهی فرمود و گناهی

است که خداوند به واسطه نزول این آیات و اوامر خود در آنها، ایشان را از آن دور نمود ولی آنها اوامر الهی را رها نموده و مرتکب رجس شدند، و مراد از اهل بیت در این آیه که خداوند متعال خطاب به ایشان می‌فرماید: لیدهب عنکم الرجس، زنان پیامبر (ص) هستند، زیرا آنها در خانه آن حضرت هستند. و مراد از یطهرکم، تطهیر ایشان از گناهی است که در این آیات ذکر شد. پدرم از هذیل مرا روایت کرد که مقاتل بن سلیمان گفت: مراد از این آیه تمام زنان پیامبر (ص) هستند و هیچ مردی با آنها نیست.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقاتل بن سلیمان در ذیل این آیه، هیچ اشاره‌ای به نزول آن در شأن اهل بیت (ع) نکرده و مراد از اهل بیت را تنها زنان پیامبر (ص) دانسته است و منظور از تطهیر آنان را نیز تطهیر و پاک شدن از گناهانی دانسته که در آیات قبل به آنها اشاره شده است.

در نقد دیدگاه مقاتل می‌توان گفت در تفسیر ثعلبی، ذیل این آیه دیدگاه‌های مختلفی مطرح گردیده و در یکی از این دیدگاه‌ها، مقصود از این آیه، پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) معرفی شده‌اند. ثعلبی ذیل این دیدگاه، روایاتی را در تایید آن نقل کرده است، برای مثال در یکی از این روایات، پیامبر اکرم (ص) تصریح می‌نمایند که این آیه درباره من، علی، حسن، حسین و فاطمه (ع) نازل شده است. همچنین، روایت مشهور از ام سلمه را نیز درباره جریان نزول این آیه نقل می‌کند (ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۸/ ۴۲-۴۴).

ابن کثیر نیز معتقد است که اگر گفته شود سبب نزول این آیه، تنها زنان پیامبر (ص) هستند، صحیح است اما اگر گفته شود مراد از این آیه تنها زنان پیامبر (ص) هستند و فرد دیگری با آنها نیست، باید در آن تجدیدنظر شود؛ زیرا روایات وارده، دلالت می‌کند بر این که مراد آیه شریفه، اعم از آن است و در ادامه، روایات متعددی را ذکر نموده که بر اساس آنها، آیه تطهیر درباره پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) نازل شده است (ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ۶/ ۳۶۵-۳۶۹).

هم‌چنین، آلوسی روایات متعددی را ذکر کرده با این مضمون که آیه شریفه «انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» تنها در شأن علی (ع)، فاطمه (س) و دو فرزندشان حسن و حسین (ع) نازل شده است. او در ادامه، اذعان نموده که روایات دال بر این مطلب، خارج از حد شمارش است و همین امر، دایره شمول «اهل البیت» در این آیه را

محدود به همین افراد می‌کند. لذا مراد از اهل بیت در این آیه افرادی هستند که بر اساس این روایات، جامه کساء رسول خدا (ص) آنان را در بر گرفت و همسران پیامبر (ص) مشمول اهل بیت نمی‌شوند (آلوسی، *روح المعانی*، ۱۱/۱۹۵). افزون بر این، در منابع ذیل نیز به نزول این آیه در شأن اهل بیت (ع) تصریح شده که عبارتند از: (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲/۱۴-۱۸؛ سیوطی، *الدر المثور*، ۵/۱۹۸-۱۹۹؛ نووی، *شرح صحیح مسلم*، ۱۵/۱۹۵؛ *سنن ترمذی*، ۵/۳۶۱؛ طبرانی، *المعجم الکبیر*، ۳/۵۴ و ۲۳/۳۳۷-۳۳۸؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک*، ۲/۱۴۶).

نکته دیگر این که به لحاظ محتوایی نیز می‌توان به دیدگاه مقاتل اشکال وارد نمود؛ زیرا ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت ضمیر جمع مؤنث است، در حالی که ضمائر این قسمت از آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) همه به صورت جمع مذکر است، و این نشان می‌دهد مخاطب آیه تطهیر نمی‌تواند تنها زنان پیامبر (ص) باشد. لذا بعضی از مفسران آیه را شامل همه خاندان پیامبر اعم از مردان و همسران او دانسته‌اند. از سوی دیگر روایات بسیار زیادی که در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده، این معنا یعنی شمول همه خاندان پیامبر (ص) را نیز نفی می‌کند و می‌گوید: مخاطب در آیه فوق منحصر به پنج نفرند: پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین (ع). لذا با وجود این نصوص فراوان که قرینه روشنی بر تفسیر مفهوم آیه است، تنها تفسیر قابل قبول برای این آیه همان اختصاص به «خمس طیبه» است (مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ۱۷/۲۹۴).

۲-۱) آیه مباهله

مقاتل در تفسیر آیه مباهله (آل عمران/۶۱) می‌گوید:

فأنزل الله- عز و جل-: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ يَعْنِي فَمَنْ خَاصَمَكَ فِي عَيْسَى مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ يَعْنِي مِنَ الْبَيَانِ مَنْ أَمَرَ عَيْسَى يَعْنِي مَا ذَكَرَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ يَعْنِي نَخْلُصُ الدُّعَاءَ إِلَى اللَّهِ- عز و جل-: فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۱/۲۸۱).

ترجمه: پس خداوند عز و جل نازل فرمود: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ، یعنی هر گاه کسی با تو درباره مسیح ستیز نمود، من بعد ما جاءك من العلم، یعنی بعد از روشن شدن امر

عیسی که در این آیات ذکر شد، پس بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم، یعنی دعا و درخواست خود را به سوی خداوند عز و جل خالص کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، مقاتل بن سلیمان در تفسیر این آیه اساساً به جریان سبب نزول آن، هیچ اشاره‌ای نکرده و تنها به ذکر معنای «نتهله» و برخی عبارات دیگر بسنده می‌کند؛ از این رو، در این تفسیر، هیچ مطلبی درباره‌ی این که مراد از ابنا و نساء و انفسنا، چه کسانی هستند، ذکر نشده است.

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان گفت در تفسیر طبری روایاتی ذیل این آیه نقل شده که به سبب نزول آن در خصوص مباحله پیامبر اکرم (ص) با نصارای نجران و حضور امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (ع) با پیامبر اکرم (ص) در این جریان اشاره شده است (طبری، جامع البیان، ۳/ ۲۱۲-۲۱۳). همچنین در روایتی آمده که پیامبر اسلام (ص) جهت مباحله با مسیحیان نجران، همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) آمد و آماده مباحله شد ولی آنها با پیامبر (ص) مصالحه نموده و راضی به پرداخت جزیه شدند (طبری، جامع البیان، ۳/ ۲۱۱).

هم‌چنین بغوی، ذیل این آیه، قولی را ذکر کرده که مراد از ابنا و نساء، حسن و حسین (ع) و مراد از نساء، فاطمه (س)، و مراد از انفسنا، پیامبر (ص) و علی (ع) هستند (بغوی، معالم التنزیل، ۱/ ۴۵۰). بیضاوی نیز بعد از ذکر معنای عبارات آیه، روایتی را درباره‌ی سبب نزول آیه نقل نموده که پیرامون جریان مباحله پیامبر (ص) با نصارای نجران است و به حضور امام حسن و امام حسین، حضرت فاطمه و امام علی (ع) در این جریان تصریح شده است. نکته قابل توجه این که بیضاوی پس از ذکر این روایت، آن را دلیل بر نبوت آن حضرت و فضیلتی برای اهل بیت آن حضرت که در این جریان همراه ایشان بودند، دانسته است (بیضاوی، انوار التنزیل، ۲/ ۲۰). همچنین، در منابع ذیل نیز به نزول این آیه در شأن اهل بیت (ع) تصریح شده که عبارتند از: (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۱۵۶-۱۶۷؛ زمخشری، الکشاف، ۱/

۳۶۸-۳۷۰؛ فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ۸/ ۲۴۷؛ بیضاوی، *انوار التنزیل*، ۲/ ۲۰-۲۱؛ ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ۲/ ۴۷).

افزون بر این می‌توان گفت تفسیر این آیه در مورد اهل بیت (ع) با ظاهر آیه نیز تناسب دارد؛ یعنی با این‌که لفظ انفسنا، نساءنا و ابنا، جمع است، ولی اطلاق آن بر کمتر از سه نفر در اینجا مشکلی ندارد، زیرا اولاً اجماع علمای اسلام و احادیث فراوانی که در بسیاری از منابع معروف و معتبر اسلامی اعم از شیعه و سنی در زمینه ورود این آیه در مورد اهل بیت (ع) به ما رسیده است و در آنها تصریح شده پیغمبر (ص) غیر از علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) کسی را به مباحثه نیاورد، قرینه آشکاری برای تفسیر آیه خواهد بود، زیرا می‌دانیم از جمله قرائنی که آیات قرآن را تفسیر می‌کند سنت و شأن نزول قطعی است.

ثانیاً اطلاق صیغه جمع بر مفرد یا بر تثنیه در قرآن و ادبیات عرب و حتی غیر عرب بسیار به کار می‌رود. به این معنا که در موارد بسیاری به هنگام بیان یک قانون، حکم به صورت کلی و به صیغه جمع آورده می‌شود، در حالی که ممکن است مسئول اجرای آن تنها یک نفر باشد، و این موضوع هیچ‌گونه منافاتی با تنظیم قانون به صورت جمع ندارد. لذا می‌توان گفت ما دو مرحله داریم، مرحله قرارداد و مرحله اجرا. در مرحله قرارداد، گاهی الفاظ به صورت جمع ذکر می‌شود تا بر همه مصادیق تطبیق کند، ولی در مرحله اجرا ممکن است مصداق، منحصر به یک فرد باشد، و این انحصار در مصداق منافات با کلی بودن مسئله ندارد. به عبارت دیگر پیغمبر اکرم (ص) موظف بود طبق قراردادی که با نصاری نجران بست همه فرزندان و زنان خاص خاندانش و تمام کسانی را که به منزله جان او بودند همراه خود به مباحثه ببرد، ولی این‌ها مصداقی جز دو فرزند و یک زن و یک مرد نداشت.

افزون بر این در آیات قرآن موارد متعددی داریم که عبارت به صورت صیغه جمع آمده اما مصداق آن به جهتی از جهات منحصر به یک فرد بوده است: مثلاً در آیه ۱۸۱ همین سوره (لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ) منظور از «الذین» طبق تصریح جمعی از مفسران، حیی بن اخطب یا فنحاص است. و گاهی اطلاق کلمه جمع بر مفرد به عنوان بزرگداشت نیز دیده می‌شود، همان‌طور که درباره ابراهیم می‌فرماید: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ. در اینجا کلمه امت که اسم جمع است بر فرد اطلاق شده است (مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*،

۲/ ۵۸۸-۵۸۶).

۳-۱) آیه لیلۃ المبیّت

مقاتل بن سلیمان ذیل آیه لیلۃ المبیّت (بقره/ ۲۰۷) تنها سبب نزول آن را نقل می‌کند که در اینجا به جهت رعایت اختصار، از ذکر کامل آن جریان صرف نظر کرده و خلاصه‌ای از آن را بیان می‌کنیم. مقاتل سبب نزول این آیه را در ارتباط با داستان صهیب بن سنان دانسته که در ابتدا توسط کفار قریش، شکنجه می‌شده و سپس به آنان پیشنهاد می‌دهد که او را رها کرده و اموال او را مصادره کنند، و نیز مانع رفتن او به مدینه نشوند (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۱/ ۱۷۸-۱۷۹). لذا در تفسیر مقاتل هیچ نکته‌ای درباره ماجرای لیلۃ المبیّت و ارتباط این آیه با امیرالمومنین (ع) ذکر نشده است.

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان گفت در تفسیر *شواهد التنزیل* روایاتی در سبب نزول این آیه ذکر شده که در آنها به جریان خوابیدن امام علی (ع) در بستر پیامبر (ص) اشاره شده است. تعدادی از این روایات نیز نزول این آیه را درباره علی (ع) و نخستین مصداق آن را آن حضرت دانسته‌اند (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۱/ ۱۲۳-۱۳۱).

ثعلبی، ذیل این آیه روایتی بدون سند را ذکر کرده که درباره ماجرای هجرت پیامبر (ص) به مدینه و خوابیدن امام علی (ع) در بستر ایشان است. در پایان این روایت، به صراحت ذکر شده که این آیه (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله) در شأن علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است. در روایت دیگری نیز از ابن عباس نقل شده که این آیه در مورد علی بن ابیطالب (ع) نازل شد، زمانی که پیامبر اکرم (ص) به مدینه هجرت نموده و علی (ع) در بستر ایشان خوابید (ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۲/ ۱۲۵-۱۲۶). آلوسی نیز، ضمن بیان اقوال متعدد درباره سبب نزول این آیه، یکی از آن اقوال را نزول آیه در مورد علی (ع) می‌داند که در زمان هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه در بستر آن حضرت خوابید (آلوسی، *روح المعانی*، ۱/ ۴۹۲).

افزون بر این می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل اشکال وارد نمود، زیرا آیه شریفه، کسی را می‌ستاید که جان خود را در راه خدا و کسب رضایت او فدا کرده، در حالی که صهیب- بر فرض صحت این روایت- پول داده و جان خویش را از قریش خریده. ضمن این که این مال باختن اختصاص به صهیب نداشت، بلکه همه مهاجران، اموال خودشان را رها می‌کردند و

جان خودشان را برمی‌داشتند و هجرت می‌کردند. نکته دیگر این‌که واژه "شری-یشری" در قرآن، صرفاً به معنای فروختن به کار رفته، نه به معنای خریدن، و هر جا سخن از خریدن باشد با واژه «اشتری» تعبیر شده است، مانند آیه «ان الله اشتری من المومنین...» (تفتازانی، *المطول*، ۷۴). بنابراین، آیه مورد بحث، تنها با معامله امام علی (ع) تطبیق دارد، نه دیگران (طباطبایی، *المیزان*، ۹۸/۲).

هم‌چنین، این روایت علاوه بر مخدوش بودن از نظر سند، متن آن نیز در منابع گوناگون، مشوش است و قابل استدلال نیست، برخی گفته‌اند: آن کس که به صهیب گفت: ربح البیع یا صهیب، ابوبکر است و برخی گفته‌اند رسول خدا (ص). برخی هم با طرح داستان صهیب، نزول آیه را در مورد صهیب گزارش نکرده‌اند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۶/۳۶۱ و مجلسی، *بحار الانوار*، ۳۵/۱۹) (مولایی‌نیا، «نقد و بررسی شأن نزول...»، ۵۰-۵۱). در مقابل، روایات شأن نزول آیه درباره امام علی (ع) توسط بیشتر مفسران فریقین، گزارش شده و در حد تواتر معنوی است و روایات آحاد توان مقابله در برابر آن را ندارند (مولایی‌نیا، «نقد و بررسی شأن نزول»، ۵۱).

۴-۱) آیه ۸ سوره انسان

مقاتل بن سلیمان ذیل آیه هشتم سوره انسان سبب نزول آن را بیان کرده که در اینجا به جهت رعایت اختصار، خلاصه‌ای از آن را گزارش می‌کنیم. به عقیده مقاتل، این آیه درباره ابوالدحداح انصاری نازل شده است. البته او در ادامه، قولی را از فاعلی مجهول نقل نموده مبنی بر این‌که آیه شریفه، درباره علی بن ابیطالب (ع) است. در هر صورت، بنا به گفته مقاتل، جریان نزول این آیه عبارت است از این‌که آن شخص (ابوالدحداح یا علی بن ابیطالب (ع)) یک روز را روزه گرفته و هنگام افطار، سائلی از راه می‌رسد و درخواست طعام می‌کند و ایشان طعام خود را به او می‌دهد.

لحظه‌ای بعد، یتیمی آمده و تقاضای مقداری طعام می‌کند. لذا ابوالدحداح از مادرش طعامی برای او طلب می‌کند. پس از لحظه‌ای، اسیری بر در خانه او آمده و طلب طعام می‌کند. ابوالدحداح این بار نیز از مادرش برای او قرص نانی طلب می‌کند. لذا ابوالدحداح، سه قرص نان به سائل و یتیم و اسیر اطعام کرده و فقط یک قرص نان برای او باقی می‌ماند و خداوند

متعال این آیه را در مدح وی نازل می‌کند (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۴/ ۵۲۵).

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان گفت در تفسیر *الکشاف*، روایتی از ابن عباس درباره سبب نزول این سوره نقل شده که درباره جریان بیماری امام حسن و امام حسین (ع) و نذر اهل بیت (ع) برای شفای ایشان است که سه روز متوالی را روزه گرفته و هر سه روز افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و در نهایت جبرئیل این سوره را در شأن اهل بیت (ع) بر پیامبر (ص) نازل می‌کند (زمخشری، *الکشاف*، ۴/ ۶۷۰).

فخر رازی ذیل این آیه، قول واحدی در کتاب البسیط را نقل کرده که نزول این آیه را در حق علی (ع) دانسته و این نکته را هم بیان نموده که صاحب *الکشاف* نیز جریان اطعام اهل بیت (ع) به مسکین و یتیم و اسیر و نزول این آیات درباره ایشان را ذکر کرده و در ادامه نیز همان روایت ابن عباس را که بیضاوی آن را آورده بود، نقل کرده است (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۳۰/ ۷۴۶-۷۴۷). بیضاوی نیز همان روایت ابن عباس در مورد نزول این آیات در شأن اهل بیت (ع) را ذیل این آیه نقل می‌کند (*بیضاوی، انوار التنزیل*، ۵/ ۲۷۰-۲۷۱). به علاوه، در منابع ذیل نیز روایاتی ذکر شده که نزول این آیه را درباره امام علی (ع) دانسته‌اند: (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲/ ۳۹۴-۴۰۸؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۶/ ۲۹۹).

افزون‌براین، این نقل مقاتل، با اشکالات متعدد سندی روبروست؛ زیرا اولاً مقاتل سندی برای ادعای خود ذکر نکرده و لذا روایت وی مرسل است و اعتباری ندارد. ثانیاً همان‌گونه که در شرح حال مقاتل گفته شد، وی در نقل حدیث فردی ضعیف است و در کتب رجالی اهل سنت، اوصافی نظیر متروک الحدیث، کذاب و دجال به او نسبت داده شده است. ثالثاً مقاتل در آغاز این سبب نزول، مردد است که این آیه درباره حضرت علی (ع) است یا ابوالدحداح، یعنی خود او نیز نسبت به این سبب اطمینان ندارد. با توجه به این دلایل، می‌توان گفت سند روایت او ضعیف است و قابل استناد نیست (دژآباد و خداپرست، «بررسی تطبیقی آیه هشتم...»، ۱۱۷).

به علاوه، سبب نزول ذکر شده در تفسیر مقاتل، به لحاظ محتوایی نیز دچار اشکالاتی است. اولاً، در متن این سبب نزول، احتیاج و علاقه شدیدی نسبت به طعام دیده نمی‌شود، چرا که در پایان آن آمده: «و بقی لهم رغیف واحد». ثانیاً، چنان‌که در سبب نزول آیات ۱۷ و ۱۸

سوره لیل آمده، ابی الدحداح شخصی فقیر نبوده، بلکه بسیار هم ثروتمند بوده است. زیرا به جای آن که پول یک درخت خرما را بدهد، آن را به چهل برابر قیمتش خریداری کرده و به پیامبر (ص) هدیه می‌کند. ثالثاً، این روایت در کتب اهل سنت دچار اضطراب متن است (نک: ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۱۰ / ۹۸). رابعا آیات سوره انسان، موید آن است که ابتدا نذری صورت گرفته و در پی آن ماجرای سه روز، روزه گرفتن و اطعام به سه گروه انجام پذیرفته است: یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا (انسان / ۷) اما در این سبب، خبری از هیچ نذری نیست. پس با توجه به جمیع این موارد، شأن نزول ابی الدحداح رد می‌شود (دژآباد و خداپرست، «بررسی تطبیقی آیه هشتم»، ۱۲۹).

در مقابل، سبب نزول مشهور این آیه که درباره اهل بیت (ع) می‌باشد، با طرق متعدد از جانب فریقین نقل شده است و بسیاری از صحابه و تابعین، آن را روایت کرده‌اند. از میان صحابه، افرادی چون امام علی (ع)، ابن عباس و زید بن ارقم (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲ / ۳۹۴-۴۱۱) و از تابعین، امام صادق (ع) در طریقی مستقل (طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۰ / ۶۱۲) و مجاهد و سعید بن جبیر از طریق ابن عباس (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲ / ۳۹۴-۴۱۱) و قنبر، مولی امیرالمومنین (ع) (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۲۰ / ۱۳۱) نیز در طریقی مستقل این رخداد تاریخی را گزارش کرده‌اند (دژآباد و خداپرست، «بررسی تطبیقی آیه هشتم»، ۱۲۰).

۲. نقد دیدگاه‌های مقاتل بن سلیمان ذیل آیات حقوق اهل بیت (ع)

در این بخش به نقد آراء مقاتل بن سلیمان ذیل آیاتی از قرآن کریم می‌پردازیم که درباره حقوق اهل بیت (ع) می‌باشند. این آیات که در حقیقت بیانگر وظایف ما نسبت به اهل بیت (ع) هستند، حقوق گسترده و متنوعی را برای اهل بیت (ع) ذکر می‌نمایند، از جمله حق اطاعت در آیه اولی الامر، حق ولایت در آیه عصمت و آیه اکمال و حق مودت در آیه مودت (نجارزادگان، *تفسیر موضوعی*، ۲۲).

۲-۱) آیه اولی الامر

مقاتل بن سلیمان در تفسیر آیه اولی الامر (نساء / ۵۹) ابتدا روایتی درباره سبب نزول آن

می‌آورد. بر اساس این روایت، پیامبر (ص) خالد بن ولید را به فرماندهی سپاهی منصوب می‌کند که عمار بن یاسر در بین آنها بود. لشکر جهت انجام مأموریت حرکت کرده و قبل از آن که به قوم مورد نظر برسند، در نزدیکی آنها اقامت می‌کنند. در این میان، دشمن خبر رسیدن لشکر خالد را به آن قوم می‌دهد، لذا همگی آنها فرار کرده و تنها مردی از آنها باقی می‌ماند. آن مرد در شب به سمت لشکر آمده و با عمار ملاقات می‌کند و به او می‌گوید که اسلام آورده و به یگانگی خداوند و نبوت محمد (ص) شهادت می‌دهد. عمار هم شهادت او را قبول کرده و به او امان می‌دهد. اما خالد که فرمانده سپاه بود، پناه دادن عمار را نپذیرفته و آن مرد را اسیر می‌کند.

پس از بازگشت به مدینه، خالد و عمار شکایت به نزد رسول خدا (ص) می‌برند. آن حضرت نیز پناه دادن عمار را تصدیق می‌نماید و عمار را از این که پس از این، تحت تبعیت امیری، امان دهد، نهی می‌کنند. سپس خالد نزد رسول خدا (ص) از عمار شکایت نموده و او را دشنام می‌دهد. اما پیامبر (ص) خالد را از دشنام دادن به عمار به شدت نهی می‌کنند و می‌فرمایند: کسی که به عمار دشنام دهد، خداوند را دشنام داده. سپس، به خالد امر می‌کنند که از عمار عذرخواهی نماید. خالد نیز به سوی عمار آمده و از او طلب بخشش می‌کند. در ادامه، مقاتل بر اساس این روایت، مراد از اولی الامر را خالد بن ولید می‌داند که پیامبر (ص) او را به فرماندهی لشکر منصوب کرده بود. سپس، مفهوم برخی واژگان آیه را توضیح داده و هیچ اشاره‌ای به حق اطاعت از اهل بیت (ع) نکرده است (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۱/ ۳۸۲-۳۸۳).

در نقد دیدگاه مقاتل بن سلیمان پیرامون این آیه می‌توان به تفسیر *شواهد التنزیل* ارجاع داد؛ در این تفسیر، روایاتی نقل شده، مبنی بر این که مراد از اولی الامر، علی (ع) است. از جمله این روایات، روایتی است از امام علی (ع) که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شریکان من، کسانی هستند که خداوند، اطاعت آنان را با اطاعت خویش و من، در کنار هم آورد و درباره آنان چنین نازل کرد: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم... من گفتم: ای پیامبر خدا، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: تو نخستین آنان هستی (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۱/ ۱۸۹).

روایت دیگر، از مجاهد است که آیه را تفسیر می‌کند و درباره عبارت «اولی الامر منکم» گفته که این قسمت در مورد امیر مومنان (ع) نازل شده، زمانی که پیامبر اکرم (ص) ایشان را در مدینه به جای خود گذاشتند و علی (ع) عرض کرد: آیا مرا در میان زنان و کودکان وامی‌گذارید؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: آیا خشنود نیستی برای من به منزله هارون برای موسی باشی؟ در ادامه، مجاهد می‌گوید: اولی الامر، علی بن ابیطالب (ع) است، که خداوند او را به جانشینی پیامبر (ص) برگزید، و امر به اطاعت از او نمود (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۱/ ۱۹۰). به علاوه، در منابع ذیل نیز روایاتی ذکر شده که مراد از اولی الامر را امام علی (ع) دانسته‌اند: (جوینی، *فرائد السطمین*، ۱/ ۳۱۴؛ ابن شهر آشوب، *المناقب*، ۲/ ۲۱۹؛ شوشتری، *احقاق الحق*، ۳/ ۴۲۵، به نقل از رساله الاعتقاد ابوبکر بن مومن شیرازی).

نکته دیگر این‌که به لحاظ محتوایی نیز می‌توان به تفسیر مقاتل از این آیه، اشکال وارد نمود؛ زیرا با توجه به این‌که در آیه مورد بحث، اطاعت از اولی الامر در ردیف اطاعت از پیامبر خدا (ص) آمده و دستور به اطاعت از پیامبر (ص) نیز به طور مطلق و بدون قید و شرط می‌باشد، اطاعت از اولی الامر نیز بدون قید و شرط خواهد بود؛ و چنین اطاعتی جز با مقام عصمت اولی الامر سازگار نیست، چرا که اگر اولی الامر معصوم نباشند، نمی‌توان به اطلاق اطاعت از آنان ملتزم شد و لذا اولی الامر تنها معصومان خواهند بود (نجارزادگان، *تفسیر موضوعی*، ۱۰۱) و براساس آیه تطهیر، معصومان تنها اهل بیت (ع) می‌باشند. بنابراین تفسیر اولی الامر به افرادی از صحابه نظیر عمار یا خالد بن ولید، صحیح نیست، زیرا اطلاق اطاعت از اولی الامر در آیه تنها با مقام عصمت سازگار است و دلیلی بر عصمت این افراد در دست نیست.

۲-۲) آیه تبلیغ

مقاتل سبب نزول آیه تبلیغ (مائده/ ۶۷) را درباره دعوت یهود به دین اسلام، توسط پیامبر اکرم (ص) دانسته که منجر به مخالفت و تکذیب آنها شد و مراد از «ناس» را در جمله «و الله یعصمک من الناس» و مقصود از «کافرین» را هم در عبارت «و الله لایهدی القوم الکافرین»، یهود می‌داند و منظور از «بلغ ما انزل الیک» را با توجه به آیه بعد تفسیر کرده که آنچه پیامبر (ص) باید به آنها ابلاغ می‌کرد این مطلب بود: «قل یا اهل الکتاب لستم علی شی حتی تقیموا التورات و الانجیل...» یعنی ای اهل کتاب شما هیچ جایگاهی نزد خداوند ندارید مگر این‌که

تورات و انجیل را آن‌طور که شایسته آنهاست تلاوت کنید و آنچه را از امر محمد (ص) بر شما نازل شده، اقامه کنید و آن را از مواضع اش تغییر ندهید (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۱/ ۴۹۱-۴۹۲).

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان چنین گفت که ابن ابی حاتم روایتی را نقل نموده که بر اساس آن، آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» درباره علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است (ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۴/ ۱۱۷۲). ثعلبی نیز معتقد است که در خصوص تنزیل و تأویل این آیه اختلاف وجود دارد. لذا اقوال گوناگون را در تفسیر آن نقل کرده است. یکی از این اقوال در خصوص نزول آیه در مورد علی (ع) است که در چندین روایت به صراحت بیان شده است. در یکی از این روایات، آمده که «بلغ ما انزل الیک» در مورد فضیلت علی بن ابیطالب (ع) است و زمانی که این آیه نازل شد، رسول اکرم (ص)، دست علی (ع) را گرفته و فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه... (ثعلبی، الکشف و البیان، ۴/ ۹۲).

در ادامه، روایت دیگری نیز آمده در خصوص ماجرای جانشینی امام علی (ع) در حجة الوداع که با تفصیل بیشتری به توضیح آن پرداخته و روایت سوم نیز، مضمونی مشابه روایت نخست دارد (همو، همان، همانجا). فخر رازی نیز در خصوص سبب نزول این آیه، وجوه متعددی را ذکر می‌کند که یکی از آنها، نزول آیه در مورد فضیلت علی بن ابیطالب (ع) است و به این مطلب نیز اشاره می‌کند که پیامبر (ص) پس از نزول این آیه، دست علی (ع) را گرفته و فرمودند: «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؛ سپس عمر بن خطاب با علی (ع) ملاقات کرده و گفت: گوارای تو باشد، مولای من و مولای هر مرد و زن مومن شدی (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۲/ ۴۰۱).

در تفسیر الدر المنثور نیز دو روایت، با این مضمون که این آیه در مورد علی (ع) در روز غدیر خم نازل شده، نقل گردیده است (سیوطی، الدر المنثور، ۲/ ۲۹۸). علاوه بر تفاسیر فوق، در این منابع نیز روایاتی دال بر نزول این آیه درباره جانشینی امام علی (ع) در حجة الوداع ذکر شده که عبارتند از: (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۲۴۹-۲۵۸؛ ابن مردویه، مناقب علی بن ابیطالب (ع)، ۲۴۰؛ واحدی، اسباب النزول، ۲۰۴).

نکته دیگر این‌که به لحاظ محتوایی نیز می‌توان به تفسیر مقاتل اشکال وارد کرد، زیرا مقاتل

مفاد این آیه را در ارتباط با اهل کتاب می‌داند و بر این اساس، آن را تفسیر می‌کند؛ در حالی که این آیه هیچ ارتباطی با آیات قبل و بعد که درباره اهل کتاب می‌باشند، ندارد، زیرا عبارت «و الله يعصمك من الناس...» نشان می‌دهد حکمی که رسول خدا (ص) مأمور به تبلیغ آن شده بود، امری مهم بوده، آن‌چنان که بیم خطر بر جان ایشان یا پیشرفت دینشان می‌رفت، ولی اوضاع و احوال اهل کتاب در زمان نزول این آیه، یعنی در حجة الوداع و آخرین روزهای عمر حضرت، طوری نبوده که از ناحیه آنان، خطری متوجه رسول خدا (ص) شود، تا خداوند بر اساس آن، بر حفظ و حراست پیامبر (ص) از خطر دشمن تضمین دهد (نجارزادگان، تفسیر موضوعی، ۱۴۷).

۲-۳) آیه اکمال

مقاتل بن سلیمان در تفسیر آیه اکمال (مائده/ ۳) منظور از «یوم» در عبارت «الیوم اکملت لکم دینکم» را روز عرفه دانسته که پس از آن، حلال و حرام و حکم و حد و فریضه‌ای نازل نشد، غیر از آیات آخر سوره نساء: یستفتونک... و مراد از «دینکم»، شرائع دین است، یعنی حلال و حرام. و مراد از «نعمتی» در عبارت «اتممت علیکم نعمتی»، آئین اسلام است که در زمان انجام آخرین حج، هیچ مشرکی با مسلمانان در آنجا حضور نداشت. و عبارت «ورضیت لکم الاسلام دینا» یعنی هیچ دینی نزد خداوند متعال، مرضی تر از اسلام نیست. در هر صورت، در تفسیر مقاتل ذیل این آیه اشاره‌ای به ماجرای غدیر خم و ولایت امام علی (ع) دیده نمی‌شود (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۱/ ۴۵۲/ ۴۶۳).

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان چنین گفت که حاکم حسکانی، روایات بسیاری را نقل نموده که نزول این آیه را پس از اعلام جانشینی امام علی (ع) توسط پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم می‌دانند (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۲۰۰-۲۰۸). تفسیر الدر المنثور نیز، روایات فراوانی نقل کرده که در اغلب آنها نزول این آیه را در روز عرفه دانسته‌اند. اما در پایان، دو روایت نیز ذکر شده، مبنی بر این که این آیه در روز غدیر خم نازل شده است، که رسول خدا (ص)، علی (ع) را به جانشینی خود نصب کرد و فرمود: من کنت مولاه، فهذا علی مولاه (سیوطی، الدر المنثور، ۲/ ۲۵۹). به علاوه، در این منابع نیز روایاتی ذکر شده که نزول این آیه را در روز غدیر خم، پس از اعلام جانشینی امام علی (ع) می‌دانند: (واحدی، اسباب النزول،

۱۳۵؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۸/ ۲۹۰؛ خوارزمی، مناقب، (۱۳۵).

هم‌چنین، می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل اشکال وارد کرد، زیرا به اعتقاد وی، این آیه در روز عرفة نازل شده که پس از آن حکم و حد و فریضه‌ای نازل نشد، اما این تفسیر با عبارت «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم...» سازگار نیست، چون حادثه خاصی که باعث یأس کفار شود در روز عرفة واقع نشد، اگر منظور انبوه اجتماع مسلمانان است که قبل از روز عرفة نیز در خدمت پیغمبر (ص) در مکه بودند و اگر منظور نزول احکام فوق در آن روز است که آن نیز موجب وحشت برای کفار نبود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴/ ۲۶۴). اما می‌توان گفت یأس کفار هنگامی به وقوع می‌پیوست که خداوند برای دین، کسی را منصوب کند که قائم مقام پیامبر اکرم (ص) در همه شئون ولایت ایشان باشد و دین از مرحله قائم به شخص، به مرحله قائم به نوع برسد و به حیات خود ادامه دهد، در این صورت، دین با امر ولایت، کامل و با نعمت ولایت، تمام می‌گردد (نجارزادگان، تفسیر موضوعی، ۱۸۷). لذا مفاد این آیه تنها با نزول آن در غدیر خم و اعلان ولایت امام علی (ع) تناسب دارد.

۴-۲) آیه مودت

مقاتل آیه مودت (شوری/ ۲۳) را این‌گونه تفسیر نموده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا يَعْنِي عَلَى الْإِيمَانِ جِزَاءً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى يَقُولُ إِلَّا أَنْ تَصَلُّوا قُرَابَتِي وَتَتَّبِعُونِي وَتَكْفُوا عَنِّي الْأَذَى ثُمَّ نَسَخْتَهَا «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ...»، قَوْلُهُ وَمَنْ يَتَّقِرِفْ حَسَنَةً يَقُولُ وَمَنْ يَكْتَسِبْ حَسَنَةً وَاحِدَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا يَقُولُ فِضَاعَفْ لَهُ الْحَسَنَةَ الْوَاحِدَةَ عَشْرًا فِضَاعِدًا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ لَذُنُوبٍ هُوَ لَا شَكُورَ - ۲۳ - لِمَحَاسِنِهِمُ الْقَلِيلَةَ حِينَ يَضَاعَفُ الْوَاحِدَةَ عَشْرًا فِضَاعِدًا (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۳/ ۷۶۹).

ترجمه: بگو من هیچ‌گونه اجر و پاداشی از شما برای این دعوت نمی‌خواهم، یعنی پاداشی برای ایمان شما درخواست نمی‌کنم، مگر دوستی نزدیکانم. یعنی مگر این‌که به نزدیکانم ببینید و از من تبعیت کنید و مرا آزار و اذیت نکنید، و این آیه توسط آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ...» نسخ شد. و قول خداوند متعال که می‌فرماید: وَمَنْ يَتَّقِرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا، یعنی هر کس یک کار نیک انجام

دهد، ده برابر آن را به او پاداش می‌دهیم. همانا خداوند آمرزنده گناهان و قدردان اعمال نیک اندک آنهاست، زیرا حسنات را ده برابر می‌کند.

مقاتل در تفسیر این آیه، مراد از مودت در قربی را نزدیک شدن به پیامبر اکرم (ص) و تبعیت از ایشان و عدم آزار و اذیت آن حضرت دانسته و درباره دوست داشتن اهل بیت ایشان، مطلبی ذکر نکرده است. ضمن این‌که معتقد است این آیه توسط آیه «قل ما سئلتکم علیه من اجر ان اجری الا علی الله...» نسخ شده است.

در نقد تفسیر مقاتل در نقد تفسیر مقاتل می‌توان چنین گفت که زمخشری روایتی از طریق سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که پس از نزول این آیه، از پیامبر (ص) سوال شد: نسبت به چه کسانی باید مودت داشته باشیم؟ حضرت فرمودند: علی (ع)، فاطمه (س) و دو فرزند ایشان. زمخشری در ادامه، این نکته را بیان نموده که روایتی از علی (ع) نیز بر این مطلب دلالت دارد، و آن این است که علی (ع) می‌فرماید: از حسادت مردم به سوی پیامبر (ص) شکایت کردم. ایشان فرمودند: آیا راضی نمی‌شوی که تو یکی از چهار نفری باشی که ابتدا وارد بهشت می‌شوند؟ و آن چهار نفر عبارتند از: من و تو و حسن و حسین (ع) (زمخشری، *الکشاف*، ۴/ ۲۱۹-۲۲۰). این دو روایت را قرطبی نیز در تفسیر خود عیناً نقل کرده است (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۲۱/۱۶-۲۲).

بیضاوی نیز در تفسیر خود روایتی را نقل کرده مبنی بر این‌که پس از نزول این آیه از پیامبر اکرم (ص) سوال شد: نزدیکان شما که خداوند مودت آنها را بر ما واجب نمود، چه کسانی هستند؟ ایشان در پاسخ فرمودند: علی (ع)، فاطمه (س) و دو فرزند ایشان (بیضاوی، *انوار التنزیل*، ۵/ ۸۰). به علاوه، در منابع ذیل نیز روایاتی نقل شده که این آیه را درباره اهل بیت (ع) دانسته‌اند: (ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۸/ ۳۱۰-۳۱۱؛ حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲/ ۱۸۹-۱۹۷؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک*، ۳/ ۱۷۲؛ هیثمی، *مجمع الزوائد*، ۹/ ۱۴۶).

نکته دیگر این‌که به لحاظ محتوایی نیز می‌توان به دیدگاه مقاتل درباره این آیه، اشکال وارد نمود، زیرا اولاً مقاتل مراد از مودت در قربی را نزدیک شدن به پیامبر اکرم (ص) و تبعیت از ایشان و عدم آزار و اذیت آن حضرت می‌داند؛ به این معنا که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: پاداش من این است که خویشاوندی مرا نسبت به خود محفوظ دارید، و بخاطر این‌که با اکثر

قبایل شما رابطه خویشاوندی دارم مرا آزار ندهید (زیرا پیامبر (ص) از طریق نسبی با قبایل قریش ارتباط داشت و از طریق سببی با بسیاری از قبایل دیگر، و از طریق مادر با جمعی از مردم مدینه از قبیله بنی النجار، و از طرف مادر رضاعی به قبیله بنی سعد). در حالی که این تعبیر بدترین معنایی است که برای آیه شده است، چرا که درخواست اجر رسالت از کسانی است که رسالت پیامبر (ص) را پذیرفته‌اند، و هر گاه کسانی رسالت را پذیرا شوند دیگر نیازی به این بحث‌ها نیست، زیرا آنها پیامبر (ص) را به عنوان فرستاده الهی احترام می‌گذارند، احتیاجی ندارد که به خاطر قرابت و خویشاوندیش او را محترم بشمرند، چرا که احترام ناشی از قبول رسالت ما فوق همه آنها است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۰/۴۰۸).

ثانیا، مقاتل معتقد است که این آیه به وسیله آیه «قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم...» منسوخ شده، در حالی که این دو آیه با یکدیگر منافاتی ندارند، زیرا این آیه شریفه می‌فرماید: بگو هر اجری از شما خواستم، برای خود شماست. و در آیه مودت نیز مودت خواهی پیامبر (ص) هرگز به سود خود ایشان نبوده است و نتیجه آن تنها هدایت خود مردم خواهد بود، به همین رو، مضمون این آیه با آیه مودت یکسان است (نजारزادگان، تفسیر موضوعی، ۲۵۱-۲۵۳).

۳. آیات مرتبط با اهل بیت (ع)

در این بخش به نقد آراء مقاتل بن سلیمان ذیل آیاتی از قرآن کریم می‌پردازیم که در سطح تنزیل یا ظواهر الفاظ نمایان نیست، بلکه در سطح تأویل بوده و در بطن آیات نهفته است. این تأویل گاهی در سطح فراعرفی است که تنها از طریق روایات می‌توان به آن دست یافت، و گاهی در سطح عرفی است که در این صورت، با تجرید خصوصیات نزول آیه و کشف مناط حکم و تعمیم بر موارد مشابه صورت می‌پذیرد (نजारزادگان، تفسیر موضوعی، ۱۹-۲۰). آیاتی که در این بخش آمده، جزء این دسته قرار می‌گیرند، از جمله این آیات آیه وراثت کتاب، آیه ۱۱۹ سوره توبه، آیه ۴ سوره تحریم و آیات اهل الذکر می‌باشد که در آنها ظاهر الفاظ اشاره ای به اهل بیت (ع) ندارد ولی بر اساس برخی روایات که احتمالا روایات تأویلی باشند، درباره اهل بیت (ع) می‌باشند.

۳-۱) آیهٔ وراثت کتاب

مقاتل بن سلیمان در تفسیر آیهٔ وراثت کتاب (فاطر/ ۳۲) گفته است:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ قُرْآنَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا اخْتَرْنَا مِنْ عِبَادِنَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ مِنْهُمْ مُتَّقِصِدٌ عَدَلَ فِي قَوْلِهِ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ الَّذِينَ سَبَقُوا إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ تَصَدِيقَ الْأَنْبِيَاءِ بِإِذْنِ اللَّهِ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۳/ ۵۵۸).

ترجمه: پس این کتاب، یعنی قرآن محمد (ص) را به ارث دادیم به بندگان که اصطفای کردیم، یعنی از این امت برگزیدیم، ولی بعضی از آنان بر خود ستم کردند که این‌ها کسانی از اهل توحیدند که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند، و بعضی از آنان مقتصد بودند، یعنی در سخن شان میانه رو بودند و بعضی از آن‌ها سابق به خیرات هستند، یعنی کسانی که در اعمال صالح و تصدیق انبیاء به اذن خدا یعنی به امر الهی بر دیگران پیشی گرفتند، و این همان فضیلت بزرگ است.

مقاتل در تفسیر این آیه نیز واژه «اصطفینا» را معنا کرده و برخی واژگان و عبارات را هم توضیح داده است اما مصداقی برای «الذین اصطفینا» ذکر نکرده و هیچ اشاره‌ای به این‌که وراثت کتاب از فضائل مخصوص اهل بیت (ع) می‌باشد، نمی‌کند.

در نقد دیدگاه مقاتل می‌توان گفت در تفسیر *شواهد التنزیل*، روایتی ذیل این آیه ذکر شده از امام سجاد (ع) که در آن تفسیر برخی مردم از این آیه که آن را در خصوص امت محمد (ص) دانسته‌اند، رد نموده و تأکید می‌نمایند که این آیه دربارهٔ ما اهل بیت (ع) نازل گردیده است (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲/ ۱۵۵-۱۵۶).

علاوه بر این می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل اشکال وارد نمود، زیرا این آیه، وراثت کتاب را تنها برای گروهی خاص (الذین اصطفینا) مطرح می‌کند که این بندگان برگزیده، کسی جز اهل بیت (ع) نیست. در حالی که قرآن دربارهٔ سایر امت‌ها و کتاب‌های آسمانی این تعبیر را به کار نبرده. برای مثال دربارهٔ وراثت تورات می‌فرماید: «و لقد آتینا موسی الهدی و اورثنا بنی اسرائیل الكتاب» (غافر/ ۳۵). طبق این آیه، همهٔ بنی اسرائیل، وارث تورات شدند، نه فقط برگزیدگان آنان (نجارزادگان، *تفسیر موضوعی*، ۲۴).

افزون براین، در مناظره امام رضا (ع) با دانشمندان آمده (قمی مشهدی، *کنز الدقائق*، ۱۰/ ۵۶۳-۵۷۲) که ایشان، مراد این آیه از وارثان کتاب را تنها عترت طاهره می‌دانند، نه همه امت؛ و می‌فرمایند: اگر مراد، همه امت باشد، باید همه آنان به بهشت روند، چون خداوند در ادامه این آیه، ایشان را در بهشت قرار داد و فرمود: «جنات عدن یدخلونها...» (فاطر/ ۳۳) و حال آن‌که همه امت، بهشتی نیستند، پس وراثت کتاب، تنها برای عترت طاهره است (نجارزادگان، *تفسیر موضوعی*، ۷۴).

۲-۳) آیه ۱۱۹ سوره توبه

در تفسیر مقاتل، ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) این مطلب ذکر شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا يعني صدقوا بتوحيد الله- عز و جل- اتَّقُوا اللَّهَ و لا تعصوه في الهجرة وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ- ۱۱۹- في إيمانهم و قد أخبر عن الصادقين فقال: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (مقاتل بن سليمان، *التفسير*، ۲/ ۲۰۲).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یعنی یگانگی خداوند را تصدیق نموده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و در هجرت از او نافرمانی نکنید و در ایمان با راستگویان همراه باشید و همانا صادقین را اینگونه معرفی نمود: مومنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها همان راستگویانند.

مقاتل سلیمان در تفسیر این آیه نیز اشاره‌ای به این‌که مصداق صادقین، امام علی (ع) می‌باشد، نکرده و مراد از صادقین را بر اساس آیه ۱۵ سوره حجرات، تفسیر کرده است: انما المومنون الذين آمنوا بالله و رسوله ثم لم يرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون.

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان چنین گفت که در تفسیر ثعلبی ذیل این آیه، در کنار روایات دیگر، روایتی را نقل کرده که صادقین را علی بن ابیطالب (ع) و اصحابش می‌داند. هم‌چنین در روایتی دیگر، صادقین به آل محمد (ص) تفسیر شده است (ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۱۵/ ۱۰۸-۱۰۹). تفسیر *شواهد التنزیل* ذیل این آیه روایات متعددی را ذکر نموده است؛ در میان

این روایات، برخی از آنها، مراد از صادقین را پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) دانسته و برخی دیگر نزول این آیه را به طور خاص درباره علی (ع) و تعدادی دیگر از این روایات نیز مراد از صادقین را علی (ع) و اصحاب ایشان می‌دانند. تعدادی از این روایات نیز صادقین را به آل محمد (ص) و یا محمد (ص) و اهل بیت ایشان تفسیر نموده‌اند (حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۳۴۱/۱-۳۴۵).

در تفسیر *الدر المنثور* نیز روایات گوناگونی در بیان مصادیق صادقین، ذکر شده که برخی از آنها، مصداق صادقین را پیامبر اکرم (ص) و اصحاب ایشان می‌دانند، برخی دیگر، عمر و ابوبکر و اصحاب آن دو دانسته‌اند و در ادامه، دو روایت نیز ذکر شده که صادقین را علی بن ابیطالب (ع) می‌دانند (سیوطی، *الدر المنثور*، ۲۹۰/۳). آلوسی نیز، روایتی را از امام باقر (ع) ذیل این آیه نقل کرده مبنی بر این که مراد از صادقین، علی (ع) است (آلوسی، *روح المعانی*، ۴۳/۶).

علاوه بر این می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل اشکال وارد نمود، زیرا اگر چه مفهوم صادقین با توجه به آیه‌ای که مقاتل ذکر کرده، مفهوم وسیعی است، ولی افزون بر روایات وارده در منابع تفسیری، محتوای آیه نیز دلالت دارد بر این که منظور از این مفهوم در اینجا تنها معصومین (ع) هستند. زیرا در آیه فوق دو دستور داده شده نخست دستور به تقوا و سپس دستور به همراه بودن با صادقین، اگر مفهوم صادقین در آیه عام باشد و همه مؤمنان راستین و با استقامت را شامل گردد باید گفته شود (و کونوا من الصادقین: از صادقین باشید)، نه با صادقین باشید. این خود قرینه روشنی است که «صادقین» در آیه به معنی گروه خاصی است. از سوی دیگر منظور از همراه بودن این نیست که انسان هم‌نشین آنها باشد بلکه بدون شك منظور آن است که همگام آنها باشد و این دستور به پیروی بدون قید و شرط و همگامی با صادقین، جز با مقام عصمت آنان سازگار نیست و همین نکته دلیل بر آن است که این گروه تنها معصومانند (مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ۱۸۲/۸).

۳-۳) آیه ۴ سوره تحریم

مقاتل بن سلیمان، آیه ۴ سوره تحریم را این‌گونه تفسیر کرده است:

إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ يَعْنِي حَفْصَةَ وَعَائِشَةَ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا يَعْنِي مَالَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ يَعْنِي تَعَاوَنْتُمَا «عَلَى» مَعْصِيَةَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَأَذَاهُ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ يَعْنِي وَلِيهِ وَ جِبْرِيلُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَعْنِي أَعْوَانًا لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَيْكُمَا إِنْ تَظَاهَرْتُمَا عَلَيْهِ... (مقاتل بن سليمان، **التفسير**، ۴/ ۳۷۷).

ترجمه: اگر شما یعنی حفصه و عایشه از کار خود توبه کنید، همانا دل‌هایتان گرایش یافته و میل پیدا نموده، و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، یعنی اگر برای نافرمانی از پیامبر (ص) با یکدیگر همکاری کنید و او را آزار دهید، پس همانا خداوند مولا، یعنی یاور و سرپرست اوست و جبرئیل و مومنان صالح و فرشتگان بعد از آنان، پشتیبان پیامبر (ص) هستند، یعنی یاوران آن حضرت علیه شما هستند، اگر بر ضد پیامبر (ص) دست به دست هم دهید.

مقاتل در تفسیر این آیه هیچ اشاره‌ای درباره‌ی مراد از صالح المومنین و این‌که روشن‌ترین مصداق این تعبیر، امیر المومنین (ع) می‌باشد، نکرده است. لذا به نظر می‌رسد مقاتل، صالح المومنین را عام و شامل همه‌ی مومنان می‌داند.

در نقد تفسیر مقاتل می‌توان گفت قرطبی اقوال مختلفی را در خصوص مصداق صالح المومنین ذکر می‌کند. براساس یکی از این اقوال، علی بن ابیطالب (ع)، مصداق صالح المومنین است (قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، ۱۸/ ۱۸۹). در ادامه، روایتی را از اسماء بنت عمیس نقل می‌کند، مبنی بر این‌که پیامبر (ص) فرمودند: صالح المومنین، علی بن ابیطالب (ع) است (قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، ۱۸/ ۱۹۲). ابن کثیر نیز در تفسیر خود، روایتی را از طریق لیث بن ابی سلیم از مجاهد نقل کرده که مراد از صالح المومنین، علی بن ابیطالب (ع) است (ابن کثیر، **تفسیر القرآن العظیم**، ۱۸/ ۱۸۶).

آلوسی نیز در تفسیر خود روایتی را از طریق ابن مردویه و ابن عساکر از ابن عباس نقل نموده، مبنی بر این‌که اسماء بنت عمیس می‌گوید شنیدم که پیامبر (ص) فرمودند: صالح المومنین، علی بن ابیطالب (ع) است. هم‌چنین، این روایت را از قول امامیه ذکر کرده که ابوجعفر (ع) می‌فرماید: پیامبر (ص) در زمان نزول این آیه، دست علی (ع) را گرفت و خطاب

به مردم، او را به عنوان صالح المومنین، معرفی نمود (آلوسی، *روح المعانی*، ۱۴ / ۳۴۸). به علاوه، در منابع ذیل نیز روایاتی نقل شده که این آیه را درباره اهل بیت (ع) دانسته‌اند: (ثعلبی، *الکشف و البیان*، ۹ / ۳۴۸؛ حسکانی، *شواهد التنزیل*، ۲ / ۳۴۱-۳۵۲؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۶ / ۲۴۴).

علاوه بر این می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل اشکال وارد نمود، زیرا از آنجایی که مقاتل مصداقی برای برای صالح المومنین ذکر نکرده، می‌توان نتیجه گرفت که او معنای صالح المومنین را عام و شامل همه مومنان صالح می‌داند درحالی که عبارت صالح المومنین، مضاف به جمع است و با مفرد دارای الف و لام، یعنی «الصالح من المومنین»، تفاوت دارد، زیرا مفرد دارای الف و لام (الصالح من المومنین) جنس را می‌رساند، درحالی که مضاف به جمع (صالح المومنین) چنین نیست و جنسیت و کلیت را نمی‌رساند (طباطبایی، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، ۱۹ / ۵۵۶). لذا صالح المومنین، عام نیست و مراد از آن تنها یک نفر می‌باشد که طبق روایات وارده در منابع فریقین، علی بن ابیطالب (ع) است.

۳-۴) آیات اهل الذکر

آیات اهل الذکر شامل دو آیه می‌باشد که در ادامه، دیدگاه مقاتل در تفسیر هر یک از این آیات ذکر می‌گردد:

الف) وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل/ ۴۳)

مقاتل این آیه شریفه را این‌گونه تفسیر نموده است:

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ نزلت فی ابی جهل بن هشام، و الولید بن المغیره، و عقبه بن ابی معیط، و ذلك أنهم قالوا فی سبحان: أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا يَأْكُلُ، و يشرب، و ترك الملائكة فأنزل الله- عز و جل: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ يَا مُحَمَّد- صلى الله عليه و سلم «إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ» ثم قال: فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ یعنی التوراة إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۲ / ۴۷۰).

ترجمه: و پیش از تو جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم. این آیه درباره ابوجهل بن هشام و ولید بن مغیره و عقبه بن ابی معیط نازل شده است و جریان آن از این قرار است که آنها درباره خداوند سبحان گفتند: آیا خداوند بشری را که می‌خورد

و می‌آشامد، به عنوان رسول فرستاده است؟! و فرشتگان را رها کرده است؟ پس خداوند عز و جل این آیه را نازل فرمود: و پیش از تو ای محمد، نفرستادیم مگر مردانی که به آنها وحی می‌کردیم. پس فرمود: اگر نمی‌دانید از اهل ذکر یعنی از اهل تورات بپرسید.

مقاتل بن سلیمان، این آیه را در مورد ابوجهل بن هشام و ولید بن مغیره و عقبه ابن ابی معیط می‌داند که می‌گفتند: آیا خداوند بشری را به عنوان پیامبر مبعوث می‌کند؟! و در ادامه، این آیه را خطاب به پیامبر (ص) دانسته و سپس، ذکر را به معنای تورات می‌داند.

(ب) وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (انبیاء/ ۷)

مقاتل در تفسیر آیه فوق می‌گوید:

ثم قالوا في الفرقان: «... أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا...» يأكل ويشرب وترك الملائكة فلم يرسلهم، فأنزل الله- عز و جل- في قولهم: وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا يَا مَعْشَرَ كِفَارٍ مَكَّةَ أَهْلَ الذِّكْرِ يَعْنِي مُؤْمِنِي أَهْلِ التَّوْرَةِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ- ۷- إن الرسل كانوا من البشر فسيخبرونكم أن الله- عز و جل- ما بعث رسولاً إلا من البشر، و نزل في قولهم «... أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا» يأكل ويشرب و يترك» الملائكة فلا يرسلهم (مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ۳/ ۷۱).

ترجمه: سپس در قرآن آمده که گفتند: آیا این همان کسی است که خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟! کسی که می‌خورد و می‌آشامد؟! و فرشتگان را رها کرده و آنها را به عنوان پیامبر مبعوث نکرده است؟! پس خداوند عز و جل در پاسخ این سخن شان، این آیه را نازل فرمود: و پیش از تو نفرستادیم جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم. پس ای جماعت کفار مکه، اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر یعنی مومنان اهل تورات بپرسید. همانا پیامبران از جنس بشر بودند، لذا به شما خبر می‌دهند که خداوند عز و جل، پیامبری جز از جنس بشر نفرستاد و خداوند، این آیه را نازل فرمود درباره سخن آنها که می‌گفتند: آیا این همان کسی است که خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟! کسی که می‌خورد و می‌آشامد؟! و فرشتگان را رها کرده و آنها را به عنوان رسول نفرستاده!

مقاتل بن سلیمان در تفسیر این آیه ابتدا این نکته را مطرح کرده که کفار، می‌گفتند آیا خداوند بشری را که می‌خورد و می‌آشامد، به عنوان رسول، مبعوث می‌کند؟! پس خداوند، بدنبال آن،

این آیه را نازل کرد. در ادامه، مخاطب «فاسئلوا» را کفار مکه دانسته و «اهل الذکر» را به معنای مومنین اهل تورات معرفی می‌کند. لذا هیچ اشاره‌ای به این که مراد از اهل الذکر، اهل بیت (ع) می‌باشند، نکرده است.

در نقد دیدگاه مقاتل می‌توان چنین گفت که طبری ذیل آیه ۴۳ سوره نحل، روایتی از امام باقر (ع) نقل کرده که در توضیح آیه «فَسئَلُوا أَهْلَ الذَّكْرِ» می‌فرماید: ما اهل الذکر هستیم (طبری، جامع البیان، ۱۴/ ۷۵). هم‌چنین، در تفسیر آیه ۷ سوره انبیاء روایتی از امیر المؤمنین (ع) نقل نموده که مراد از اهل الذکر، ما هستیم (طبری، جامع البیان، ۱۷/ ۵). در تفسیر شواهد التنزیل نیز ذیل آیه ۴۳ سوره نحل، روایات متعددی نقل شده که در آنها، امام علی و سائر ائمه (ع) در پاسخ به سوال از این آیه، تصریح نموده‌اند که مراد از اهل الذکر، ما هستیم (ائمه از عترت رسول خدا (ص)) (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۴۳۲-۴۳۷).

قرطبی نیز ذیل آیه ۷ سوره انبیاء، روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نقل نموده که اهل الذکر، ما هستیم (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۱/ ۲۷۲). علاوه بر این، در منابع ذیل نیز روایاتی ذکر شده که مراد از اهل الذکر را اهل بیت (ع) دانسته‌اند: (ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۶/ ۲۷۰؛ شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ۱۹۹).

هم‌چنین می‌توان به لحاظ محتوایی نیز به تفسیر مقاتل از این آیه، اشکال وارد نمود، زیرا هر چند تفسیر وی از این آیه، مطابق سیاق است، اما ادله متعددی وجود دارد مبنی بر این که اهل الذکر، منحصر در اهل بیت (ع) است؛ از جمله این دلایل عبارتند از:

۱- ارجاع به اهل الذکر در آیات مورد بحث، مطلق و بدون قید و شرط است و این نکته بر عصمت اهل الذکر در راهنمایی و پاسخگویی خبر می‌دهد. پس اهل الذکر تنها بر معصومان قابل تطبیق است (نجارزادگان، تفسیر موضوعی، ۲۰۱-۲۰۲) که بنابر آیه تطهیر، اهل بیت (ع) می‌باشند.

۲- طبق احتمال برخی مفسران، عبارت «بالبینات و الزبر»، متعلق به «لاتعلمون» است که در این صورت مفهوم آیه این است که اهل الذکر، بینات و کتاب‌ها را می‌شناسند و نگاهی به زندگی اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که تنها آنان از تعالیم انبیاء و محتوای کتاب‌های آنان آگاه بودند و دیگران چنین اطلاعی نداشتند (همو، همان، ۲۰۳).

۳- در تعارض بین دلیل لفظی (روایات) با دلیل لُبی (سیاق)، دلیل لفظی بنا به قاعده تخاطب در سیره عقلا، مقدم است (همو، همان، ۲۰۴).

۴- می‌توان گفت عبارت «فاستلوا اهل الذکر»، همانند آیه تطهیر، جمله معترضه است که ارتباطی با آیات قبل و بعد آن که درباره تردید و انکار مشرکان نسبت به بشر بودن انبیاء می‌باشد، ندارد (همو، همان، همانجا).

نتیجه

در تفسیر مقاتل بن سلیمان، ذیل بسیاری از آیاتی که به اعتقاد غالب مفسران فریقین، درباره اهل بیت (ع) می‌باشند، هیچ اشاره‌ای به فضائل اهل بیت (ع) و نزول این آیات در مورد ایشان نشده است؛ اما با تتبع در سایر منابع تفسیری اهل سنت، در می‌یابیم که در این تفاسیر، روایات فراوانی ذکر شده که اشاره به فضائل اهل بیت (ع) داشته و نزول این آیات را درباره ایشان دانسته‌اند. از جمله این آیات، می‌توان به آیه تطهیر، آیه مباحله، آیه اولی الامر، آیه تبلیغ، آیه اکمال، آیه مودت و آیات اهل الذکر اشاره کرد. وجود چنین روایاتی در سایر منابع تفسیری اهل سنت که تعداد آنها بسیار است و نیز وجود اشکالات فراوان محتوایی در آراء مقاتل، می‌تواند صحت دیدگاه‌های او را ذیل این آیات مورد نقد و خدشه قرار دهد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش اسعد محمد الطیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی‌الباز، ۱۴۱۹ق.
- ۳- ابن‌حبان، محمد، *المجروحین*، به کوشش محمد ابراهیم زاید، مکه، دارالباز.
- ۴- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، به کوشش یوسف البقاعی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۲ق.
- ۵- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- ۶- ابن‌مردویه، احمد بن موسی، *مناقب علی بن ابیطالب (ع)*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ۷- ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، *کتاب الفهرست*، به کوشش رضا تجدد.
- ۸- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۲ق.
- ۹- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش علی عبد الباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۱- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۱۲- ترمذی، محمد بن عیسی، *السنن*، به کوشش احمد محمد شاکر، بیروت.
- ۱۳- تفتازانی، مسعود بن عمر، *المطول فی شرح تلخیص المفتاح*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
- ۱۴- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، به کوشش ابی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- جوینی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطین*، به کوشش محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۶- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک*، به کوشش یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار المعرفه.

- ۱۷- حسکانی، عبید الله بن عبد الله، *شواهد التنزیل*، به کوشش محمدباقر محمودی، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۱ق.
- ۱۸- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، مدینه.
- ۱۹- خوارزمی، موفق بن احمد، *مناقب علی بن ابیطالب*، به کوشش مالک محمودی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ۲۰- خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، ۱۴۱۳ق.
- ۲۱- دژآباد، حامد و خداپرست، اعظم، «بررسی تطبیقی آیه هشتم سوره انسان از دیدگاه فریقین»، *مشرق موعود*، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۹۳.
- ۲۲- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۲۳- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
- ۲۴- شوشتری، قاضی نور الله، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم، ۱۴۰۵ق.
- ۲۵- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، به کوشش محمدعلی آذرشب، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۶ش.
- ۲۶- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ۲۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، به کوشش حمدی بن عبدالمجید سلفی، ۱۴۰۶ق.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، به کوشش محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۹- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
- ۳۰- طوسی، محمد بن حسن، *رجال الطوسی*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۳ش.
- ۳۱- علامه حلی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- ۳۲- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی،

- ۱۴۱۱ق.
- ۳۳- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، قاهره، دار الکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
- ۳۴- قمی مشهدی، محمد رضا، *کنز الدقائق*، به کوشش حسین درگاهی، تهران، موسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة و الارشاد، ۱۴۱۱ق.
- ۳۵- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۳۶- معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
- ۳۷- مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ۳۹- مولایی نیا، عزت اله، «نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
- ۴۰- ناوشکی، رسول، «معرفی مقاتل بن سلیمان صاحب *تفسیر کبیر*»، *فروع و حلدت*، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۸۹.
- ۴۱- نجارزادگان، فتح الله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: آموزه‌هایی از فضائل و حقوق اهل بیت (ع) در قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ش.
- ۴۲- نووی، یحیی بن شرف، *شرح صحیح مسلم*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۴۳- واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن الکریم*، به کوشش کمال زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- ۴۴- هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۲ق.

Bibliography

- 1_ Holy *Qur'ān*.
- 2_ Āqābozorg Tehrānī, Moḥammad Moḥsen, *Al-Zarī'a ilā Tasānif Al-Shī'a*, Beirut, Dār al-Aḍwā', 1402 AH.
- 3_ Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abd Allāh, *Rūḥ Al-Ma'ānī* fi Tafsīr Al-Qur'ān Al-'Azīm, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1415 AH.
- 4_ Ibn Abī Ḥātam, 'Abd Al-Raḥmān b. Muḥammad, *Tafsīr Al-Qurān Al-'Azīm*, Riyāḍ: Maktabat Nazār Muṣṭafā Al-Bāz, 1419 AH
- 5_ Ibn Shahr Āshūb, Muḥammad b. 'Āli, *Manāqib Āli abi Ṭālib*, ed. Yūsuf Al-Baqā'i, Beirut, Dār al-Aḍwā', 1412 AH.
- 6_ Ibn Kathīr, Ismā'īl, *Tafsīr Al-Qurān Al-'Azīm*, Beirut: Dār al-Ma'rifa, 1402 AH.
- 7_ Ibn Mardawayh, Aḥmad b. Mūsā, *Manāqib Āli b. Abīṭālib wa mā nazzala min Al-Qur'ān fi 'Āli*, Qom, Dār Al-Hadīth, 1422AH.
- 8_ Ibn Nadīm, Muḥammad b. Ishāq, *Kitāb Al-Fibrīst*, ed. Riḍā Tajaddod.
- 9_ Ibn Ḥibbān, Muḥammad, *Al-Majrūḥīn*, ed. Muḥammad Ibrāhīm Ziyd, Mecca, Dār al-Bāz.
- 10_ Baghawī, Ḥusayn b. Mas'ūd, *Ma'ālim Al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1420 AH.
- 11_ Bayḍāwī, 'Abdullah b. 'Umar, *Anwār Al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1418 AH.
- 12_ Tirmīdhī, Muḥammad b. 'Isā, *Al-Sunan*, ed. Aḥmad Muḥammad Shākīr, Beirut.
- 13_ Taftāzānī, Mas'ūd b. 'Umar, *Al-Muṭawwal fi Sharḥ Talkhīṣ Al-Miftāḥ*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1425 AH.
- 14_ Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Kashf wa Al-Bayān*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1422 AH.
- 15_ Juwaynī, Ibrāhīm b. Muḥammad, *Farā'id Al-Simṭayn*, ed. Muḥammad Baqir Maḥmūdī, Qom, Majma' Ihyā' al-Thiqāfa al-Islāmiya, 1415 AH.
- 16_ Ḥākīm Niyshābūrī, Muḥammad b. Abdulla, *Al-Mustadrak*, ed. Yūsuf 'Abd Al-Raḥmān Al-Ma'ashlī, Beirut, Dār al-Ma'rifa.
- 17_ Ḥaskānī, 'Ubaydallāh b. Aḥmad, *Shawāḥid al-Tanzīl*, Tehrān, Wizārat Irshād Islāmī, 1411 AH.

- 18- Khatīb Baghdādī, Aḥmad b. 'Alī, *Baghdād History*, Medina.
- 19- Khārazmī, Muwaffaq b. Aḥmad, *Al-Manāqib* 'Alī b. Abī Tālib, ed. Mālek Maḥmūdī, Qom, Islamic Publishing Foundation, 1411 AH.
- 20- Khū'ī, Abul-Qāsim, *Mu'djam Al-Ridjāl Al-Ḥadīth*, Qom, Markaz-e Nashr-e Āthār-e Shī'e, 1413 AH.
- 21- DezhĀbād, Hāmed and Khodāparast, A'ẓam, "Comparative study of the eighth verse of Ensan Surah from the viewpoint of Faryqeyn", *Mashreq-e Mo'ūd*, Volume 8, Issue 30, February 2014.
- 22- Fakhr Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *Al-Tafsīr Al-Kabīr*, Qom, Maktab al-A'lām al-Islāmī, 1411 AH.
- 23- Zamakhsharī, Maḥmūd b. 'Umar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1407 AH.
- 24- Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān b. AbīBakr, *Al-Durr Al-Mantbūr*, Qom, Mar'ashī Library, 1404 AH.
- 25- Shūshtarī, Qāḍī Nūrullāh, *Iḥqāq Al-Ḥaq wa Izbāq Al-Bāṭil*, Qom, 1405 AH.
- 26- Shahristānī, Muḥammad b. 'Abd al-Karīm, *Mafātīḥ Al-Asrār wa Maṣābiḥ Al-Abrār*, ed. Moḥammad 'Alī Ādharshab, Tehran, Mīrāth Maktūb, 1376 SAH.
- 27- Ṭabāṭabāyī, Moḥammad Ḥuseyn, *Al-Mizān*, persian tranlation by Moḥammad Bāqer Mūsavī, Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1374 SAH.
- 28- Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, *Al-Muḥjam Al-Kabīr*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1406 AH.
- 29- Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' Al-Bayān*, ed. Moḥammad Jawād Balāghī, Tehrān, Nāser Khosro, 1372 SAH.
- 30- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' Al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1412 AH.
- 31- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Rijāl*, ed. Jawād Qayyūmī, Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1373 SAH.
- 32- Al-'Allāma al-Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf, *Kbulāṣat Al-Aqwāl*, Holy Mashhad, Āstān Qods Razavi, Islamic Research Foundation, 1381 SAH.
- 33- Qurtūbī, Muḥammad b. Aḥmad, *Al-Jami' li Ahkām Al-Qur'an*, Cairo,

- Dār al-Kutub Al-'Arabī, 1387 AH.
- 34_ Qumī Mashhadī, Muḥammad b. Muḥammad Ridhā, *Kanz Al-Daqā'iq wa Baḥr Al-Gharā'ib*, ed. Husiyn Dagāhi, Tehrān, Ministry of Culture and Guidance Publishing House, 1411 AH.
- 35_ Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī, *Biḥār Al-Anwār*, Beirut, Dār al-Wafā', 1403 AH.
- 36_ Ma'refat, Moḥammad Ḥādī, *Tafsīr va Muffasirān*, al-Tamhīd Institute, 1379 SAH.
- 37_ Muqātil b. Sulaymān, Al-Tafsīr, ed. 'Abdullāh Maḥmūd Shaḥāta, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1423 AH.
- 38_ Makārem Shīrāzī, Nāṣer, *Tafsīr Nemūne*, Tehrān, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1371 SAH
- 39_ Molāyīniyā, 'Izzatullāh, " Between Sunni and Shi'ite Narrations; A Critical-Comparative Study on (Q. 2:207)'s Occasion of the Revelation", *Comparative Interpretation Research*, Volume 7, Issue 2 - Serial Number 14, November 2021.
- 40_ Nāvashkī, Rasūl, Introduction of Muqatil ibn Suleiman (the author of the Great Tafsīr), *Furūgh-e Vahdat*, Volume 6, Issue 21, December 2011.
- 41_ Najjārzādegān, Faṭḥullāh, *Thematic interpretation of holy Quran: Teachings about the virtues and rights of Abl al-Bayt (AS) in the Qur'an*, Qom, Research Institute of Hawzeh and University, 1398 SAH.
- 42_ Nawawī, Yaḥya b. Sharaf, *Ṣaḥīḥ Muslim Bisbarḥ Al-Nawawī*, Beirut, Dār Al-Kutub Al-'Arabī, 1407 AH.
- 43_ Wāhidī, 'Alī b. Aḥmad, *Asbāb Al-Nuzūl*, ed. Kamāl Zughlūl, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1411 AH.
- 44_ Ḥeythamī, Nūr Al-Dīn 'Ālī b. AbīBakr, *Majma' Al-Zawā'id*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1402 AH.